



مجله حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۳ - بهار ۱۴۰۴

- تحلیلی بر مقایسه تغییرات اساسی در مقررات یو.سی.پی ۵۰۰ و یو.سی.پی ۶۰۰
همایون مافی، سودابه اسدیان
عدالت قضایی در قوانین کیفری اسلام
ابوالفتح خالقی، مریم خلیل دخت
تأثیر بیماری‌های فراگیر بر گسترش تروریسم
محسن مولائی فرد، هادی مسعودی قر
بزه دیدگی زنان در خانواده: راهکارها و مبانیت حمایت کیفری از آنان
سیدعلیرضا میرکمالی، زهرا محمودی، امید زینالی
چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف
محمود حبیبی تپان، ترگس زندی علی آبادی
نقد آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
کوثر نظری، ابراهیم باقوتی
مطالعه تطبیقی اصل حسن‌نیت در حقوق ایران و فرانسه بر پایه اصلاحات ۲۰۱۶
اکبر عظیمی
واکاوی شناسایی حق بر محیط زیست در پرتو اسناد بین المللی و رویه های قضایی
مونا دوانلو
تأملی در روند هوش مصنوعی در پیشگیری از جرم
علی نجفی، سیدمحسن موسوی قر
نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان: بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی
ابوالحسن جنتی، زینب هاشمی باغی
نقد و تحلیل تطبیقی ماهیت قراردادهای هوشمند در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
امل سلیمانی، مریم اسکندری
تحلیل تطبیقی جرم تصرف عدوانی اموال منقول در حقوق ایران و انگلستان: مبانیت، ارکان و ضمانت های اجرایی
امیرمحمد ماهرخ، سعید بابایی
صلح در حقوق ایران: تحلیل تطبیقی با دیگر راه های حل و فصل اختلافات
محمدباقر پارساپور، اعظم لطفی نیستانک
آثار حقوقی و پیامدهای استناد به قاعده ضرورت در حقوق بین‌الملل
سیدمحمدپیرام بطحایی
تحلیل جرایم مرتبط با زمین خواری در حقوق کیفری ایران و فرانسه
وحید کیومرثی
بررسی خسارت ناشی از خسارت در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رحیملی طهرانی
مقایسه تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های شورای امنیت: تحلیل حقوقی و پیامدهای فرامرزی
سیدفواد علوی، علی تقی‌زاده، محمدجواد قصابی فرد
جرایم و حوادث ناشی از کار در حقوق ایران و فرانسه
سیمما سوداگر
جایگاه حقوقی کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین الملل
سارا فرزادی مهر، مجتبی نظیف، قاسم مقدمیان، اسماعیل عموری
سیاست جنایی مجازات های جایگزین‌های حبس در جرایم نبروهای مسلح ایالات متحده آمریکا
امیرحسن ابوالحسنی، سیدحبیبی علوی، الهام زارع
قرارداد حمل و نقل کالا در نظام حقوقی ایران و فرانسه
مهشید سادات طبایی، فهیمه طاهرلو
استقرار قوانین هوش مصنوعی در مبارزه با پولشویی و بازیابی دارایی‌ها
علی موید احمدی، امیررضا محمودی
مالکیت مریخ در پرتو معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷ میلادی: تحلیل حقوقی تعارضات و راهکارها
مهدی قره داغی
تحلیل سیاست کیفری قانونگذار ایرانی در قبال جرایم تروریستی: چالش‌ها و راه کارها
مصطفی رضایی
تعارض اصول حاکم بر اراضی شهری با حقوق مالکانه در نظام حقوقی ایران
سیدمحمدباقر حقایقی، فرزین یزدان پناه، حمیدرضا کناری زاده
بررسی فقهی-حقوقی عدم لزوم ترتیب اثر به شرط حق طلاق زوجه در عقدنامه های نکاح
وحید پارسایی دادرس
جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران
اصلان علیزاده، اسماعیل حسینی
اجرای آرای دیوان داوری ورزش در سطح ملی
سپیده احمدیان فرد
چبران خسارت ضرر شخصی در شبه جرم و مصادیق آن در قوانین کیفری: بررسی حقوقی و قضایی
میثم حسینی زاده
بررسی فقهی و حقوقی لجاج مصنوعی در ایران
فاطمه معزی، هانیه اکبری، هادی روستا



The Position of Contract Interpretation in the Iranian Legal System

جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران

Aslan Alizadeh

Master of Science in Private Law, Tabnak University, Lamerd, Iran (Corresponding Author)

اصلاح علیزاده
کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)
mr.hasanizadeh@gmail.com

Esmail Hoseini

PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran

اسماعیل حسینی
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران
esmaeilho175@gmail.com

Abstract

Contract interpretation, as one of the important issues of contract law, is always of particular importance in various legal systems. Contract interpretation is carried out when the text of the contract is incomprehensible and ambiguous to both parties. Of course, a contract that is formed based on the will of the parties and the will of the contracting parties is involved in its formation. In this situation, if the terms of the contract are ambiguous or silent, the contract is interpreted in several ways that have been discussed, and the contracting parties are included in the details of the contract. Interpretation as a means of recognizing the true meaning of the provisions of the contract and the treaty and discovering the real intention of the parties, determining the limits and obligations arising from them, and also the factor that adapts the conditions and contents of the contract to the requirements of time and place, has been the focus of domestic courts and international judicial authorities. In this research, which has been conducted in a descriptive-analytical manner, an attempt is made to formulate coherent chapters on the interpretation of contracts by explaining the subject and applying interpretative rules and principles; in addition to eliminating the existing gap in this field, it also helps to implement the obligations arising from contracts by removing ambiguity. The results of the research show that experts in this field should be used in drafting contracts so that there is no dispute between the parties to the contract and, in the event of a dispute, the intention of the parties at the time of concluding the contracts can be the best understood.

Keywords: Good Faith, Iranian Law, Contract Interpretation.

چکیده

تفسیر قرارداد به عنوان یکی از موضوعات مهم حقوق قراردادها در نظام های حقوقی مختلف همواره اهمیت خاصی دارد. تفسیر قرارداد زمانی صورت می گیرد که متن قرارداد برای دو طرف نامفهوم و دارای ابهام باشد، البته قراردادی که بر اساس اراده طرفین شکل گرفته باشد و اراده متعاقدين در شکل گیری آن دخیل باشد. در این موقعیت اگر عبارات قرارداد مردد باشد، عبارتی دارای سکوت باشد به چند روش که درباره آن بحث شده است، قرارداد تفسیر می شود و متعاقدين قرارداد در جریان ریز قرارداد قرار می گیرند. تفسیر به عنوان وسیله ای برای تشخیص معنای حقیقی مفاد قرارداد و معاهده و کشف قصد واقعی طرفین، تعیین حدود و تعهدات ناشی از آن ها و نیز عامل تطبیق دهنده شرائط و مندرجات قرارداد با مقتضیات زمان و مکان مورد توجه محاکم داخلی و مراجع بین المللی دادگستری قرار گرفته است. در این پژوهش که به صورت توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است سعی بر آن است که با تبیین موضوع و تطبیق قواعد و اصول تفسیری، فصول منسجم در باب تفسیر قراردادها تنظیم گردد؛ تا علاوه بر رفع خلاء موجود در این زمینه، با رفع ابهام از قراردادها به اجرای تعهدات ناشی از آن نیز کمک شده باشد. نتایج پژوهش نشان می دهند که در تنظیم قراردادها می بایست از متخصصین در این زمینه استفاده نمود تا میان طرفین قرارداد اختلافی به وجود نیامده و در صورت ایجاد اختلاف نیز به بهترین وجه بتوان به قصد طرفین در زمان انعقاد قراردادها پی برد.

واژگان کلیدی: حسن نیت، حقوق ایران، تفسیر قرارداد.

Received: 2025/04/13 - Review: 2025/04/28 - Accepted: 2025/06/03

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳ - بررسی مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

ارجاع:

علیزاده، اصلان؛ حسینی، اسماعیل؛ (۱۴۰۴)، جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY NC SA



مقدمه

تفسیر مصدر باب تفعل است از ماده به معنی ظهور و کشف؛ بنابراین می توان آن را «فسر» به معنی هویدا کردن، ایضاح و بیان معنی سخن یا هر چیز دیگری به شکل مطلق دانست. البته تبادر اولیه از معنی تفسیر شرح و بیان معنی سخن است.^۱ بر همین اساس، بیان شده تفسیر عبارت است از حل غوامض لفظ. به طور کلی در تفسیر هر موضوعی از دو منبع استفاده می شود: الفاظ و عباراتی که مستقیماً در متن به کار رفته و می توان از آن به text تعبیر نمود؛ شرایط و زمینه هایی که بستر به کارگیری عبارات مزبور تلقی شده و context نامیده می شود. از آن جا که ممکن است بین این دو منبع تعارض و اختلاف پیش آید، تفسیر تلاشی است تا از طریق تطبیق بین این دو، معنا و مقصود حقیقی به دست آید.

می توان گفت هر تفسیر دارای سه عنصر اساسی است: اول- کشف ابهامات: در جایی که عبارات به کار رفته به حدی از صراحت برخوردار باشند که هیچ ابهامی در فهم آن ها وجود نداشته باشد، تفسیر منتفی است. این ابهام را می توان در قرارداد به صورت بروز اختلاف بین طرفین متجلی دانست. دوم- اظهار مکتوب یا شفاهی: از دیگر ویژگی های موضوع تفسیر، مکتوب یا شفاهی بودن آن است. اصولاً امور ذهنی و انتزاعی را نمی توان متعلق تفسیر دانست. از این روی ضروری است معنایی به شکل مکتوب یا شفاهی اعلام شود تا بتوان اقدام به تفسیر آن نمود. سوم- تلاش برای بیان مقاصد و اهداف گوینده: تفسیری که در راستای کشف معنای مورد قصد گوینده نباشد معتبر نیست. بنابراین، در صورتی که مفسر

در شرح عبارات، برخلاف قرائن قطعی اقدام کند و یا مبتنی بر پیش فرض‌های شخصی و غیرقابل انتساب به متن اقدام به تفسیر نماید،^۲ عنصر سوم تفسیر را نادیده انگاشته است. موارد مذکور را باید به عنوان اصول کلی تفسیر دانست؛ بنابراین می‌توان آن‌ها را با مفهوم حقوقی تفسیر نیز منطبق دانست.

در این پژوهش به تحلیل حقوقی جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. تفسیر قرارداد به معنی تشخیص مفهوم مقررات آن است، هدف این است که مضمون و مفاد عقد به درستی روشن شود. وقتی عقدی بین متعاملین منعقد می‌گردد و صحیح می‌باشد نشان‌دهنده قصد و رضای آن‌ها و در کل رعایت ماده ۱۹۰ قانون مدنی است و با انعقاد عقد انجام آن برای طرفین عقد الزامی می‌گردد و طرفین معتقد می‌گردند تا عقد را که به صورت عهده‌ی یا تملیکی منعقد نموده‌اند را به نحوه احسن انجام دهند.

اما در اجرای تعهد ممکن است محتوای عقد به شیوه‌ای نگارش شده باشد که نتوان قصد و هدف اصلی طرفین را بدون نیاز به تفسیر قرارداد پی برد و همین اجمال و ابهام سبب می‌گردد که تعهد یا ناقص اجراء گردد یا این که در چهارچوب قرارداد اصلی نباشد. مطابق قاعده کلی عقود و قراردادهای دو دسته تملیکی و عهده‌ی تقسیم می‌گردند که هریک اجزاء و مقدمات خاص خود را برای اجرایی شدن می‌طلبند و همین امر سبب می‌گردد تا در کنار مفاد عقد و قرارداد نیازمند این باشیم که بدانیم قصد و رضای طرفین چه بوده است و همچنین این که آیا عوامل تأثیرگذار در تفسیر قرارداد نیز تأثیرگذار می‌باشند؟ مطابق تقسیم‌بندی قانون به امری و تکمیلی تقسیم می‌گردد که هریک تأثیر و اثر خاص و ویژه‌ای بر روی تفسیر قرارداد دارد و در کنار این دو امر عرف و عادات ازمینه و امکان نیز در تفسیر قرارداد تأثیر دارند (انصاری خوشابر و طاهری، ۱۳۸۸). همان‌گونه که قانونگذار در ماده ۲۲۵ قانون مدنی قانونگذار بیان نموده است، متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم، منصرف به آن باشد به منزله ذکر در عقد است.

پرداختن در زمینه جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران از مواردی است که در این پژوهش مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. تحلیل اصولی به جایگاه تفسیر قراردادهای پرداختی موضوعی است که به نوبه خود جدید بوده و قابل تأمل است. شناسایی روش‌ها و شیوه‌های تفسیر قرارداد در قوانین جاری؛ شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌های شیوه‌های تفسیر قراردادهای در قوانین جاری؛ بررسی و شناسایی

شیوه‌های تفسیر قرارداد در مراجع قضایی؛ بررسی و شناسایی شیوه‌های تفسیر قراردادها در قوانین خاص. در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشیم که از دیدگاه نظام حقوقی ایران ماهیت جایگاه تفسیر قراردادها چه تحلیل‌های حقوقی می‌تواند داشته باشد؟ فرضیه پژوهش به این صورت است که به نظر می‌رسد از دیدگاه حقوقی جایگاه تفسیر قرارداد می‌تواند هم تحلیل ماهوی و هم شکلی از قراردادها را داشته باشد.

۱- مفاهیم

۱-۱- تعریف مفهومی تفسیر قرارداد

تفسیر، در لغت به معنی توضیح دادن و هویدا کردن است. منظور از قواعد تفسیر قرارداد، مقرراتی است که به کمک آن می‌توان، در جایی که اراده حقیقی طرفین قرارداد روشن نیست، برای رفع ابهام و اجمال یا تناقض قرارداد اقدام کرد و معیارها، مفهوم و معنی حقیقی مورد نظر متعاقدین را از الفاظ و عبارات به کار رفته در قرارداد استنباط نمود. عوامل تفسیر قرارداد دو دسته اند: دسته اول، عوامل داخلی تفسیر، یا همان عواملی که در خود قرارداد و ملحقات آن به کار است. در این روش، محکمه پیش از هر چیز متن قرارداد را بررسی می‌کند و با در نظر گرفتن مجموع مفاد آن می‌کوشد قصد واقعی طرفین قرارداد را روشن کند. دسته دوم، عوامل خارجی تفسیر، یا به عبارت دیگر، عواملی که در متن قرارداد نیست، ولی به کمک آن‌ها تفسیر و تبیین قرارداد ممکن است. تفسیر قرارداد از پیوند دو عنصر شکل می‌گیرد. پی بردن و احراز قصد مشترک طرفین حوزه اصلی تفسیر را شامل می‌شود. برای رسیدن به این مقصود فهم لفظی و استنباط قضایی به عنوان دو عنصر تفسیر، ایفاگر نقش اساسی هستند و در پیوند با یکدیگر موجب احراز اراده طرفین قرارداد و توافق آن‌ها می‌شوند.

تفسیر قرارداد به معنی تشخیص مفهوم مقررات آن است، هدف این است که مضمون و مفاد عقد به درستی روشن شود (کاتوزیان، ۱۴۰۳). به بیان دیگر «تفسیر عبارت است از هنر یا فرایند کشف و تشخیص معنی یک قانون، وصیت‌نامه، قرارداد یا هر مدرک کتبی دیگر و به عبارتی کشف و نشان دادن معنی صحیح هر نکته و علامتی که حاصل مضامین و ایده‌هایی باشد». به نظر کوربین، حقوقدان امریکایی تفسیر عبارت است از توضیح معنی اعلام اراده‌ای که شخص دیگری آن را به کار برده است (صاحبی، ۱۳۷۶، ۲۴).

در حقوق ایران تعریف تفسیر قرارداد در هیچ یک از متون قانونی منعکس نشده و حتی بخشی مستقل نیز به این بحث اختصاص داده نشده است. اما در تفسیر قراردادها باید به آن چه که مراد واقعی طرفین بوده است توجه شود. الفاظ قرارداد تا حدی اعتبار دارند که مبین اراده واقعی طرفین قرارداد باشند. به همین خاطر اگر معلوم شود که مقصود طرفین غیر از چیزی است که الفاظ و عبارات اقتضاء می کند طبق قاعده معروف «العقود تابعة للقصد»^۳ باید اراده واقعی طرفین در نظر گرفته شود و قرارداد بر اساس اراده واقعی تفسیر شود.

قاضی باید در تفسیر قرارداد در کشف اراده واقعی طرفین بکوشد و برای قرارداد همان آثاری را قائل شود که آنان خواسته اند. البته باید دانست که بین تمیز قرارداد از توصیف قرارداد تفاوت است و این دو را نباید با یکدیگر اشتباه گرفت. از سوی دیگر، عناوینی که طرفین به قرارداد می دهند قاطعیت ندارند مثلاً اگر اراده واقعی طرفین اجاره باشد ولی لفظ بیع را به کار برند قاضی با توجه به اراده واقعی طرفین، قرارداد را توصیف می کند و عنوان اجاره را به آن می دهد، یا اگر کسی در مقابل طلبکاری بگوید: تعهد می کنم که بدهی مدیون تو را پردازم، این تعهد را می توان ضمان عقدی به مفهوم قانون مدنی تلقی کرد و قائل به انتقال دین از ذمه بدهکار اصلی به ذمه شخص ثالث گردید، هر چند که لفظ ضمان و ضامن به کار نرفته باشد، مگر این که معلوم شود که مقصود طرفین بقاء دین بر ذمه بدهکار اصلی بوده است.

هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رای اصراری^۴ قاطع نبودن عناوین عقود و لزوم توجه به اراده واقعی طرفین را پذیرفته است. با وجود این رای و آراء مشابه باید گفت که تفسیر قرارداد در کنار موارد یاد شده در مواردی نیازمند مراجعه به فقه و استفاده از منابع فقهی و قواعد فقهی می باشد که سبب می گردد تا قاضی علاوه بر نیازمندی به دانش حقوقی نیازمند استفاده از استنباط فقهی و دانش فقهی باشد. به طور مثال قاعده لاضرر و قاعده المیسور در ابتدا امر تشابه فراوانی دارند، اما کاربرد هریک در تفسیر عقود و قراردادها بسیار متفاوت می باشد.

در کل می توان گفت بیشتر مفاد قراردادها توان تفسیر دارند، چرا که در هر صورتی به راه های مختلف

۳- قاعده تبعیه العقود للقصد از قواعد فقهی به معنای این است که عقود تابع قصد دو طرف عقد است. قاعده تبعیت عقود از قصد با جمله «العقود تابعة للقصد» نیز یاد می شود. از این قاعده در باب تجارت و نیز کتب در بر دارنده قواعد فقهی سخن گفته اند. تبعیت عقود و ایقاعات از قصد، امری واقعی و در مقام ثبوت است که ظواهر الفاظ بر آن دلالت دارد، از این رو، به ظواهر الفاظ اعتنا و آثار بر آن مترتب می شود، هر چند طرف عقد ادعا کند که در مقام انشاء قصد خلاف ظواهر الفاظ را داشته است.

برای یک عبارت یا شرط مفاد قرارداد می‌توان معانی گوناگونی در نظر گرفت. همچنین جایگاه تفسیر قراردادها در نظام حقوقی ایران از نظر حقوقی نیازمند تحلیل جامع و کاملی می‌باشد که بتوان به وسیله آن به قصد و نیت تدوین کنندگان و تشکیل‌دهنده‌گان هر قرارداد پی برد. منظور از تفسیر قرارداد در این رابطه رفع ابهام از مفاد قرارداد بر اساس مصالح و منافع اجتماعی است که در این راه ابزارهای اجتماعی در جهت تفسیر اراده فرد متعارف و معقول جامعه استفاده می‌شود. اما موضوع تفسیر قرارداد در حقوق ما کمتر به‌طور مستقل مورد بحث حقوقدانان قرار گرفته است و غالباً در مقام تفسیر از روش‌های سنتی اصول فقه که البته به اعتباری از متقن‌ترین روش‌ها است استفاده شده است.

۱-۲- تعریف اصطلاحی تفسیر قرارداد

منظور از فهم لفظی یا تفسیر زبانی که الفاظ قراردادی به کار رفته توسط طرفین در اراده هریک از آنان چه مفهومی ایجاد کرده است؛ یعنی طرفین قرارداد با بیان اراده ظاهری خویش چگونه مقصود خود را بیان نموده و طرف مقابل چه اندیشه‌ای از این اراده ظاهری داشته است (جعفری تبار، ۱۳۸۳، ۱۸۶). بنابراین، فهم لفظی در تشخیص مفهوم موضوع قرارداد و ناظر به روشن ساختن مقصود شخص اظهارکننده است و در تفسیر واژگان ابرازی طرفین کاربرد دارد. به‌عنوان مثال، توجه به سند قرار داد و نیز رفع ابهام از آن بدون توجه به سایر عوامل و اوضاع و احوال بیرونی، فهم لفظی از قرارداد مکتوب است.

قراردادهایی که بین اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی منعقد می‌گردد، همیشه صریح و روشن نیست، زیرا ممکن است طرفین قرارداد به جهت عدم اطلاع کافی از قوانین یا مقررات موضوعه یا به لحاظ عدم امکان دسترسی به مقررات مربوطه قادر به پیش‌بینی همه موارد و یا نحوه سیر مراحل اجرایی یک قرارداد نباشند، حتی قراردادهایی که با مشورت‌های حقوقی لازم و با کمک کارشناسان و مشاوران برجسته حقوقی تنظیم می‌شوند باز هم ممکن است در مواردی دچار ابهام باشند چرا که دقیق‌ترین مشاوران حقوقی نیز نمی‌توانند همه اختلافات احتمالی یا شقوق لازم یا اشکالاتی را که ممکن است در جریان اجرای قرارداد، حادث شود پیش‌بینی کنند، و اسناد و قراردادهایی که در دفاتر اسناد رسمی مطابق قانون^۵ تنظیم می‌گردند از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. مضافاً این که قرارداد یا هر عمل حقوقی مانند هر پدیده اجتماعی دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی است و چه بسا ممکن است که شرایط

اجرای یک عمل حقوقی متفاوت با شرایط زمان انعقاد آن باشد. همان گونه که «اعمال موجود قواعد» با وجود وسواس و دقت نظری که در وضع آن به کار رفته و اصولاً این اعمال به وسیله جامعه و خردجمعی وضع و ایجاد می گردند، مصون از تفسیر و شرح نیستند.

۱-۳- تعریف توصیف قرارداد

در واقع تفسیر به کاوش قصد منعقدکنندگان قرارداد می پردازد، هرچند در این بین از ابزارهای خارجی نیز مدد می طلبد. لیکن استفاده از این ابزارها نیز و نظایر آنها را در مسیر کشف قصد و انصاف همانند عرف طرفین به کار می گیرد. به دیگر سخن، ابهام موجود در اراده مشترک را بر طرف می سازند. با این اوصاف شناسایی طبیعت حقوقی و نوع قرارداد از حوزه تفسیر قرارداد خارج است و توصیف قرارداد این وظیفه را بر عهده دارد. توصیف قرارداد عبارت است از تطبیق مصداق واقع شده با مفاد قانونی. یعنی ماهیت حقوقی واقع شده را در قالب های خاصی که قانونگذار مدنظر داشته، قرار می دهد تا با هریک همخوانی بیشتری داشته باشد، آثار همان قالب را بر آن بار کند. بایستی گفت که توصیف از امور حکمی است، ولی تفسیر از امور موضوعی؛ لذا تفسیر قرارداد در رسیدگی ماهوی برای احراز قصد طرفین مورد تحقیق قاضی واقع می شود، ولی توصیف قرارداد قاضی را وادار می دارد تا مصداق واقع شده را صرفاً با مقررات قانونی تطبیق دهد.

وظیفه قاضی در مرحله توصیف قرارداد این است که مشخص کند قرارداد در کدام نهاد حقوقی می گنجد؟ و آثار قانونی کدام نهاد بر روابط طرفین حاکم است؟ برای رسیدن به این مرحله، لازم است مفهوم و مفاد قرارداد از پیش روشن شده باشد، تا بتوان با ارزیابی ماهیت آن، به عنوان آن دست یافت. بر اساس همین معنا، عرف نیز طبق ماده ۶۳۲ قانون مدنی، توان توصیف قرارداد را پیدا می کند و عرف بلد زمانی می تواند قرارداد موجود را توصیف کند و ودیعه بودن آن را تشخیص دهد که ماهیت آن رابطه حقوقی، نزد او معلوم باشد. اگرچه مشخص شدن عنوان، کمک به سزایی به تفسیر قرارداد می کند، اما تفسیر مفاد قرارداد بر مشخص شدن عنوان آن متوقف نیست، هرچند برای تکمیل عقد ضروری است نوع آن مشخص شود تا آثار قوانین تکمیلی بر آن بار شود. با این که توصیف و تفسیر در مرحله تحقق، با هم ارتباط دارند، اما دو مقوله جدا از هم هستند، زیرا توصیف در مسیر اجرای قوانین و تعیین مصداق قوانین تکمیلی قرار می گیرد، اما تفسیر در جهت کشف قصد طرفین و یا تبیین مفاد قرارداد واقع می شود که اولی از امور حکمی و دومی از امور موضوعی است.

۲- ایفای تعهد با ادای موضوع مغایر و تعدیل قرارداد

گاه بدون تحقق تبدیل تعهد، موضوع قرارداد تغییر یافته و موضوع جدیدی جانشین قبلی می‌گردد. در موارد زیر می‌توان نمونه‌هایی از این تغییر قهری را مشاهده کرد: اول- در عقد بیع، مبیع معین بوده و پیش از تحویل به مشتری، در دست بایع تلف گردد، در این صورت به عقیده جمعی از علما، ضمانت بایع از کالا، منتقل به قیمت واقعی آن شده یا آن که با مطالبه مشتری، قیمت کالا را به جای آن می‌پردازد. دوم- در صورتی که تحویل کالای مثلی متعذر شود، ضمانت شخص مدیون از تحویل مثل، متبدل به تحویل قیمت شده و می‌بایست به جای کالا، قیمت آن را بپردازد.

بی شک این موارد را نمی‌توان مصداق تبدیل تعهد دانست زیرا یکی از عناصر تبدیل تعهد، داشتن نیت تبدیل است. بنابراین، بدون نیت تبدیل، تغییر قهری موضوع نمی‌تواند سبب تبدیل قرارداد شود. اما آیا می‌توان این موارد را در محدوده تعدیل قرارداد تفسیر کرد؟ پاسخ این پرسش منفی است، زیرا در تغییر قهری موضوع، تحویل موضوع مورد تعهد ناممکن گردیده و به این جهت موضوعی دیگر جانشین آن می‌شود درحالی که در تعدیل قرارداد دامنه این تغییر تنها به برخی اوصاف و شرایط محدود بوده و امکان تحویل اصل موضوع باقی است. در غیر این صورت، مصداق مسئله تعذر تسلیم گردیده و سر از تغییر قهری موضوع در می‌آورد.

۳- مکتب‌های تفسیر مفاد قرارداد بر حسب مصلحت فردی و اجتماعی

۳-۱- مکتب تفسیر لفظی

به نظر پیروان این مکتب، قانون تنها منبع حقوقی است و هدف از تفسیر قانون، کشف و احراز اراده قانونگذار از ظواهر و عبارات قانون و یافتن اصول کلی مندرج در آن است. به عقیده آنان در حکومت‌های آزاد مردم سالار قدرت نهایی و سلطه واقعی با ملت است که با اراده نمایندگان او اعلام می‌شود و همین که به صورت قانون در آید، باید بر تمام روابط اجتماعی حکومت کند. بنابراین، کوشش هر حقوقدان در مرحله نخست باید متوجه فهم قانون و تفسیر عبارت‌های آن باشد (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۱۲). به همین ترتیب پیروان این مکتب در تفسیر قرارداد نیز متن قرارداد را به عنوان مبنای اصلی قصد مشترک طرفین و منشأ الزامات قراردادی می‌شناسند و بر این باورند که هدف از تفسیر قرارداد، کشف اراده طرفین آن از ظواهر و عبارات قرارداد و تعیین معنی آن است و هیچ دادرس و حقوقدانی حق ندارد در مقام تفسیر

قرارداد به عوامل خارج از قرارداد استناد نماید زیرا ظواهر عبارات قرارداد اماره مطلق بر قصد طرفین است. شیوه‌هایی که طرفداران این مکتب در مقام استنباط مورد استفاده قرار می‌دهند عبارتند از: روش تفسیر ادبی، روش تفسیر منطقی، روش تفسیر اصولی و روش تاریخی. که استفاده از این روش‌ها، هدف احراز قصد و نظر متعاقدين يك قرارداد و موضوع آن تمهید ابزارهای منطقی برای نیل به آن هدف است. برای مثال در این مکتب در تفسیر تاریخی، ملاحظه و بررسی سوابق و تصویب قانون مورد تفسیر اعم از مبانی و منشأ آن یا مذاکراتی که در هنگام تصویب قانون مزبور در مجلس قانونگذاری انجام گردیده برای رفع ابهام مورد توجه قرار می‌گیرد. در تفسیر قراردادها نیز با استفاده از این روش برای رفع ابهام قرارداد به بررسی کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد متوسل می‌شوند (صاحبی، ۱۳۷۶، ۵۲).

۳-۲- مکتب تحقیق علمی آزاد

در این مکتب به نیامندی‌های اجتماع و خواسته‌های آن بیش از متن قوانین توجه می‌شود. پیروان این مکتب با مورد انتقاد قرار دادن روش لفظی اعتقاد دارند که احترام به اراده قانونگذار و رعایت متون قوانین بیشتر جنبه تظاهر و ریا دارد و هیچ قانونی نمی‌تواند حکم تمام مسائل اجتماعی را معین سازد و تمام حوادث آینده را پیش‌بینی کند. باید پذیرفت که در بسیاری از روابط اجتماعی قانونگذار هیچ نظری نداده است. به گفته ژنی «تفسیر حقوقی که در آن ادعا شود تنها به قانون نوشته قناعت کرده است، تفسیرکننده یا خود را آشکارا فریب می‌دهد یا برای رفع نیازهای مشروع زندگی ناتوان است» (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۱۰۶).

بر اساس این مکتب، تفسیر قانون منحصر در کشف اراده قانونگذار آن هم از ظواهر و عبارات قانونی نیست. بلکه قانون پس از تصویب، جدای از مقنن وجودی مستقل دارد و قدرت مستقل محسوب می‌شود. از این جهت دادرس تکلیف بر اطاعت از قانون دارد ولی محدود به اراده قانونگذار نیست و اختیار دارد که در مقام تفسیر قانون، مصلحت جدید و خواسته‌های کنونی جامعه را در نظر بگیرد. لذا این اختیار را دارد که آزادانه تا آن جا که متون قوانین اجازه می‌دهد قانون را چنان تفسیر کند که با ظاهر عبارات و رسوم اجتماعی و اوضاع و احوال مستحدثه سازش داشته باشد و مانع جمود و عقب‌ماندگی نظام حقوقی و بی‌اعتنایی به تمام تحولات اجتماعی و انکار ضرورت‌ها و لوازم تمدن شود.

پیروان این روش در تفسیر قراردادها نیز با برتری دادن منافع و مصالح اجتماعی، عقیده دارند عوامل اجتماعی نظیر عرف، عادت و انصاف و تأثیر آن بر قرارداد را نباید از نظر دور داشت و در تفسیر قرارداد

نابایستی خود را محدود به کشف اراده متعاقدين نمود بلکه باید در این راستا با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی و اقتصادی جامعه، قرارداد را به عنوان یک پدیده اجتماعی فراتر از قصد مشترک طرفین و بر اساس مصلحت جامعه تفسیر کرد. به هر حال، در این شیوه تفسیر ممکن است در جایی قرارداد به شکل وسیله‌ای برای حفظ مصالح اجتماعی تلقی گردد و هویتی مستقل از اراده سازنده آن بیابد و به زندگی اجتماعی ویژه خود ادامه دهد.

بر این مکتب انتقاداتی وارد شده است: اول- مفاهیم اجتماعی و اقتصادی مانند قواعد ریاضی روشن و مسلم نیست و هر کس به سلیقه خود آن را اعمال می کند که این عمل می تواند خطرناک و زیانبار باشد. دوم- اصل تفکیک قوا ایجاب می کند که محاکم در ایجاد قواعد حقوقی دخالت نکنند و صلاحیت آن‌ها محدود به اجراء قوانین باشند (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۱۳۶).

نتیجه این که این دو مکتب درباره تفسیر قانون و تفسیر قرارداد در اکثر نظام‌های حقوقی تعدیل یا تلفیق گردیده و در حقوق داخلی اغلب کشورها پذیرفته شده که اولاً اراده مشترک طرفین در انعقاد قراردادها و شرایط مندرج در آن معتبر می باشد، ثانیاً از مفهوم نظم عمومی و اخلاق حسنه برای تعدیل و محدود کردن مقررات قراردادی استفاده می شود. به عبارت دیگر، اراده اشخاص در انعقاد قراردادها و ایجاد تعهدات تا جایی محترم است که با مفهوم نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایرتی نداشته باشد. در نظریه تلفیقی، نقش اراده به عنوان ایجادکننده قرارداد پذیرفته شده ولی قرارداد نتیجه‌ای اجتماعی تلقی شده که پس از به وجود آمدن در ادامه حیات نیاز به اراده ایجادکنندگان خود ندارد و بنابراین در مقام تفسیر باید بر اساس عرف، عدالت و انصاف و سایر قواعد حقوقی و با در نظر گرفتن منافع و مصالح اجتماع به رفع ابهام اقدام نمود، ضمن این که در مرحله انعقاد قرارداد نیز آزادی طرفین نامحدود نیست.

۴- میزان پذیرش مکاتب اصالت فردی و اجتماعی در حقوق ایران

پیروان مکتب اصالت اجتماعی، قرارداد را به عنوان یک ماهیت حقوقی اجتماعی می شناسند. به طوری که هر شخص، آزاد نیست که با هر کس و به هر میزان که بخواهد معامله کند و وسیله کسب سود خویش را موجب خلل رساندن به مصالح اجتماعی گرداند، پس دادرس در برخورد با قرارداد، هر گاه به این نکته پی ببرد که انعقاد قرارداد خصوصی موجب تعارض با مصالح اجتماعی و نظم عمومی جامعه است به اضمحلال قرارداد رأی خواهد داد. در تفسیر قرارداد نیز، دادرس هنگام مواجه شدن با به قصد

مشترک طرفین رجوع نمی‌کند بلکه با در نظر گرفتن ابهام طرفین قرارداد به‌عنوان ابزارهای خاص اجتماعی همانند عرف و قانون به تفسیر پرداخته و رفع ابهام می‌نماید. برعکس، در مکتب حقوقی، به‌عنوان اساس مطرح شده و در تفسیر قرارداد اصل حاکمیت اراده اصالت فرد همانا فقط قصد مشترک طرفین مدنظر قرار می‌گیرد و سایر نهادهای تفسیری خارج از قرارداد همانند عرف، الزامات اجتماعی و... مورد توجه واقع نمی‌شوند. دادرس هنگام برخورد با ابهام قراردادی، فقط به اراده طرفین رجوع نموده و رفع اختلاف می‌نماید (صاحبی، ۱۳۷۶، ۱۲۸).

۵- ابزارهای تفسیر قرارداد در حقوق ایران

۵-۱- اراده مشترک طرفین قرارداد

بحث حاکمیت اراده در تعارض قوانین برای نخستین بار در قرن شانزدهم میلادی به وسیله شارل دومولن مطرح گردید. دومولن نظر خود را به این صورت اظهار نمود که «چون قرارداد مخلوق اراده طرفین قرارداد است و در واقع نوعی محدودیت ارادی حقوق متعاملین می‌باشد، لذا منطق حقوقی ایجاب می‌کند که طرفین قرارداد بتوانند آزادانه هر قانونی را که مناسب می‌دانند بر قرارداد خود حاکم سازند». باید توجه داشت که اصل حاکمیت اراده به دو جزء تقسیم می‌شود: نخست آن که طرفین قرارداد حق دارند آزادانه قانون حاکم بر قرارداد را انتخاب نمایند و دیگر آن که هرگاه قانون صلاحیتدار را صریحاً انتخاب نکرده باشند باید دید ضمناً صلاحیت قانون خاصی را قبول کرده‌اند یا نه و به عبارت دیگر باید «اراده ضمنی» آن‌ها را جست‌وجو کرد.

نظریه حاکمیت اراده هم از لحاظ عملی و هم از لحاظ نظری مورد انتقاد واقع شده است: اول- انتقاد عملی: می‌گویند دادن حق انتخاب قانون صلاحیتدار به طرفین قرارداد تقلب نسبت به قانون را تسهیل می‌کند چه برای طرفین قرارداد آسان خواهد بود که برای فرار از مقررات قانونی که حقاً باید بر قرارداد حکومت نماید درباره صلاحیت قانون دیگری توافق نمایند. این نظریه منجر به عدم اطمینان می‌گردد زیرا در اغلب موارد طرفین قانون صلاحیتدار را تعیین نمی‌کنند و معلوم نیست در چنین مواردی چگونه می‌توان با کنجکاوای در باب اراده ضمنی آنان قانون مورد نظرشان را تعیین کرد، چه یافتن قصد آنان جنبه قطعی ندارد و ممکن است منجر به نتایج خودسرانه گردد. دوم- انتقاد نظری: می‌گویند اعمال نظریه حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد منجر به دور منطقی می‌شود، زیرا قانون است که شرایط صحت

قرارداد را تعیین می‌کند و به اراده طرفین اعتبار می‌بخشد و اگر قرار باشد اراده که خود مخلوق قانون است تعیین‌کننده قانون شود و بدان هستی بخشد مواجهه با دور منطقی اجتناب‌ناپذیر خواهد شد.

به عقیده مخالفان حاکمیت اراده، قانون است که باید تعیین کند چه قانونی بر روابط طرفین قرارداد باید حکومت کند و نه اراده آنان. علت الزام آور بودن قرارداد آن است که قانون به آن ضمانت اجرا می‌دهد و از آن جا که توافق در مورد قانون صلاحیتدار تابع هیچ قانونی نیست لذا این توافق حسب تعریف فاقد جنبه الزامی خواهد بود. به علاوه، هرگاه طرفین حق داشته باشند در مورد اجرای قانون صلاحیتدار خود تصمیم بگیرند آن قانون قدرت و اعتبار خود را از دست خواهد داد. بنابراین، باید قانون حاکم بر قرارداد را به‌طور امری تعیین نمود و فقط در زمینه قوانین تفسیری است که برای طرفین قرارداد باید حق انتخاب را پذیرفت.

طرفداران نظریه حاکمیت اراده به این انتقادات پاسخ داده و نقش اراده را به‌طور مشخص مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. به نظر ایشان، همان‌گونه که ساوینی هم قبلاً بیان کرده بود، در حقیقت قانون قابل اجرا توسط طرفین قرارداد تعیین نمی‌شود بلکه به وسیله قاضی تعیین می‌گردد، النهایه قاضی در این امر اراده متعاملین را مورد توجه قرار می‌دهد. به گفته پروفیسور باتیفول طرفین قرارداد حتی زمانی که صریحاً قانون صلاحیتدار را تعیین می‌کنند واقعاً در مقام انتخاب قانون نیستند بلکه صرفاً مرکز ثقل یا پایگاه قرارداد خود را مشخص می‌کنند و دادگاه بعداً قانون صلاحیتدار را حسب راهنمایی طرفین قرارداد تعیین می‌کند. بر اساس این طرز تفکر، توافق صریح متعاملین در مورد قانون صلاحیتدار یک عامل تعیین پایگاه قرارداد است ولی البته تنها عامل نیست و عوامل دیگری هم وجود دارد که آن عوامل نیز دارای اهمیت هستند.

البته باید توجه داشت که قبول نظریه حاکمیت اراده مشکلات ناشی از اعمال آن را حل نمی‌کند. مشکل اساسی این است که هرگاه متعاقدين ضمن قرارداد اراده خود را در مورد قانون صلاحیتدار اعلام نکرده باشند قصد مشترک آنان را چگونه می‌توان تعیین کرد؟ مشکل دیگری که وجود دارد عبارت از تعیین حدود اراده طرفین قرارداد است. عقد یا قرارداد یا معامله، یک نوع عمل ارادی اجتماعی‌اند که نیاز مادی یا معنوی انسان را به‌طور متقابل برطرف می‌سازد. وصف ارادی بیانگر خاستگاه اصلی قرارداد یعنی اراده انسان است و صفت اجتماعی، ضرورت حضور قانون را برای تحقق و اعتبار قرارداد نشان می‌دهد. نتیجه این توصیف حاکمیت اراده در قرارداد در چهارچوب قانون است. حاکمیت اراده در قرارداد و به‌طور کلی در اعمال حقوقی اصلی است که جز در موارد برخورد با نظم جامعه و پاسدار آن یعنی قانون

پذیرفته شده است. این اصل لازمه کرامت و آزادی است که خداوند به انسان بخشیده است. حاکمیت اراده به عنوان یک اصل در فقه اسلامی که اساس اقتباس مقررات حقوقی ایران است، با عبارت معروف العقود تابعه للقصد شناخته شده است. از اصل حاکمیت اراده در اعمال حقوقی، آزادی شخص در انشای عمل حقوقی و این که مبادرت به تشکیل عقد یا ایقاع نکند یا نکند و نیز در انتخاب نوع عقد و ایقاع و طرف عقد و تعیین حدود آثار آن و شروط مندرج ضمن عقد و نیز منحل ساختن قراردادها در موارد مجاز نتیجه می شود (شهیدی، ۱۴۰۳، ۵۶).

۵-۲- وجود اراده در عقود و قراردادها

طرفین معامله باید قصد انشاء یعنی ایجاد قرارداد را داشته باشند والا معامله باطل و از درجه اعتبار ساقط می شود. برای این که قصد انشاء تحقق یابد، باید طرفین قرارداد قوه تمیز و درک داشته باشند و پس از تصور ارکان و سنجش سود و زیان قرارداد، ایجاد آن را اراده کنند. بنابراین، معامله مجنون یا صغیر غیرممیز یا کسی که در حال مستی است، به علت فقدان قصد باطل است و هیچ اثری بر این گونه معاملات مترتب نیست. ماده ۱۹۵ قانون مدنی در این باره مقرر داشته است که: «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است». البته به طور کلی فقدان قصد به هر علتی که باشد باعث بطلان معامله است (صفایی، ۱۴۰۳، ۶۳).

۵-۳- اظهار و اعلام اراده در عقود و قراردادها

وجود قصد در درون شخص و عالم ذهن کافی برای انعقاد قرارداد نیست، بلکه قصد باید به طریقی بیان و اظهار و اعلام شود. قصدی که به نحوی از انحاء در مقام عقد قرارداد ابراز شده است اراده ظاهری یا اظهارشده یا اراده خارجی یا اعلام اراده نامیده می شود. در مقابل، قصد درونی و واقعی معامله کننده اراده باطنی نام دارد. ابراز قصد انشاء یا اراده ظاهری غیر از اظهار تمایل به انعقاد قرارداد و مذاکرات مقدماتی، راجع به شرایط آن است. منظور از ابراز قصد این است که طرفین معامله پس از مذاکرات مقدماتی، با اعلام قصد خود، قرارداد را ایجاد کنند و به عبارت دیگر، قصد انشاء معامله را داشته باشند و آن را اظهار نمایند.

ماده ۱۹۱ قانون مدنی در این باره مقرر داشته که: «عقد محقق می شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». قصد انشاء در این ماده در برابر اخبار است و نشان می دهد که

موضوع اراده باید ایجاد اثر حقوقی باشد، نه اخبار از آن یا بیان تمنا و شوق درونی. بنابراین، رابطه حقوقی با میل باطنی و نیت و تمنا به وجود نمی‌آید و نیازمند قصد انشاء است و نفوذ حقوقی مبتنی بر اراده انشایی و معتبر است. بدیهی است که بدون کاشف و مبرز چیزی که دلالت بر قصد نماید، معامله‌کننده نمی‌تواند طرف دیگر را از قصد خود آگاه سازد و تراضی و توافق به وجود نخواهد آمد (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۲۲۴). البته برای تحقق عقد بیان اعلان اراده کافی است و ابلاغ آن به طرف دیگر ضرورتی ندارد، مگر این که لازمه تراضی باشد، مانند ضرورت ابلاغ ایجاب به طرف قبول (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۱۹۹).

۶- وسیله اعلام و اظهار اراده

ساده‌ترین و درعین حال متداول‌ترین وسیله تفاهم معانی، الفاظ است. آنچه که کاشف از قصد و اراده طرفین قرارداد است ایجاب و قبول نام دارد. همان‌گونه که ماده ۳۳۹ قانون مدنی مقرر داشته: «پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود». در اصطلاح حقوقی ایجاب عبارت است از این که یکی از طرفین قرارداد نخست اراده خود را بر ایجاد رابطه حقوقی معین اعلام دارد و قبول عبارت است از اعلام پذیرش رابطه حقوقی معین به وسیله طرف دیگر. در حقیقت ایجاب پیشنهاد انجام معامله با شرایط معین است و قبول اعلام پذیرش پیشنهاد می‌باشد (صفایی، ۱۴۰۳، ۶۸).

اعلام اراده به وسیله نوشته نیز در حکم بیان الفاظ است؛ زیرا نوشته نیز مانند صوت و لفظ وسیله عرفی و عادی انتقال معانی است و از این جهت تفاوتی بین وجود لفظی و کتبی کلمه‌ها وجود ندارد (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۲۵۷). البته نباید پنداشت که لفظ تنها وسیله بیان صریح اراده است، همان‌طور که ماده ۱۹۳ قانون مدنی مقرر داشته است: «انشاء معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد، مثل قبض و اقباض، حاصل گردد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». بنابراین، الفاظ به خودی خود در انعقاد قراردادها اثری ندارند و تنها وسیله تبادل افکار و خواست‌های طرفین است. همان‌طور که ماده ۱۹۲ قانون مدنی مقرر داشته است: «در مواردی که برای طرفین یا یکی از آن‌ها تلفظ ممکن نباشد، اشاره‌ای که مبین قصد و رضا باشد کافی است» (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۲۵۹).

نتیجه

درباره تفسیر قرارداد مانند تفسیر قانون دو مکتب اصلی وجود دارد و هر حقوقدانی بر حسب این که چه دیدگاهی در مورد تفسیر قانون دارد در تفسیر قرارداد نیز همان قواعد تفسیری را به کار می‌بندد که در تفسیر قانون به آن‌ها توسل جسته است. هرچند که تفسیر قانون مقوله‌ای جدا از تفسیر قرارداد است لیکن شباهت شیوه‌ها غیرقابل انکار است.

از مجموع چنین استنباط می‌شود که برخلاف آنچه که اظهار گردیده، ماده ۱۹۱ قانون مدنی مبین اصل حاکمیت اراده در قراردادها نمی‌باشد. از طرف دیگر غالب درباره تفسیر ماده ۱۹۱ این است که برای تحقق و ایجاد عقد، قصد انشاء و به تعبیر دیگر ابزار اراده لازم است؛ یعنی وسیله‌ای که در عالم خارج نشانه‌ای از ایجاب و قبول طرفین باشد؛ مانند نوشته یا لفظ یا اشاراتی که مبین قصد و رضا باشد؛ بنابراین آنچه از ماده ۱۹۱ مستفاد می‌گردد این است که برای تحقق عقد لازم است قصد انشاء و به تعبیر برخی اراده ظاهری وجود داشته باشد، زیرا طرفین عقد مادامی که نیت، اغراض و اراده خود را به وسیله‌ای ابراز نمایند، اطلاع هریک از طرفین از اراده درونی طرف مقابل محال است و امکان منطقی و عقلایی برای تحقق عقد وجود ندارد؛ فلذا اگر چنین استدلال شود که منظور از ماده ۱۹۱ قانون مدنی همان قاعده العقود تابعه للقصود می‌باشد مواجه با اشکال خواهیم شد، زیرا منظور از قصد در قاعده مورد بحث بنا بر نظر غالب همان اراده باطنی است و معنی آن این است که عقد بایع اراده باطنی متعاملین است، درحالی که منظور از قصد انشاء در ماده ۱۹۱ قانون مدنی اراده انشایی و به تعبیر برخی اراده ظاهری است که در تحقق عقد مؤثر است و نتیجه آن این است که عقد تابع قصد ظاهری است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- انصاری خوشابر، مسعود و طاهری، محمدعلی، ۱۳۸۸، **دانشنامه حقوق خصوصی**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- جعفری تبار، حسن، ۱۳۸۳، **مبانی فلسفی تفسیر حقوقی**، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شهیدی، مهدی، ۱۴۰۳، **تشکیل قراردادها و تعهدات**، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات مجد.
- صاحبی، مهدی، ۱۳۷۶، **تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی**، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
- صفایی، سیدحسین، ۱۴۰۳، **قواعد عمومی قراردادها**، چاپ چهل و یکم، تهران، انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۳، **قواعد عمومی قراردادها**، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۳، **قانون مدنی در نظم حقوق کنونی**، چاپ شص و ششم، تهران، انتشارات میزان.

An Analysis of Key Changes in UCP 500 Compared to UCP 600

Homayoun Mafi, Sodabeh Asadian

Judicial Justice in Islamic Criminal Laws

Abolfath Khaleghi, Maryam Khalil Dokht

The Effects of the Pandemic on the Expansion of Terrorism

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudi Far

Female Victimization Within the Family: Strategies and Foundations for Criminal Protection

Sayyed Alireza Mirkamali, Zahra Mahmoudi, Omid Zeynali

Challenges and Strategies for Implementing Hijab and Chastity

Mahmoud Habibi Tabar, Narges Zandi Aliabadi

Criticism of the Regulations of Article 3 of the Law on the Obligation to Officially Register Real Estate Transactions

Kousar Nazari, Ebrahim Yaghouti

A Comparative Study of the Principle of Good Faith in Iranian and French Law Based on the 2016 Reforms

akbar azimi

Recognition of the Right to the Environment in the Light of International Documents and Judicial Procedures

Mona Davanlou

Reflection on the Trend of Artificial Intelligence in Crime Prevention

Ali Najafi, Sayyed Mohsen Mousavi Far

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Abolhasan Jannati, Zainab Hashemi Baghi

A Comparative Critique and Analysis of the Nature of Smart Contracts in the Legal Systems of Iran and the United States of America

Amal Solimani, Maryam Eskandari

Comparative Analysis of the Crime of Aggressive Possession of Movable Property in Iranian and English Law:

Principles, Elements and Enforcement Guarantees

Amir Mohammad Mahrokh, Saeid Babaei

Peace Within Iran's Laws, a Comparative Analysis with Other Ways of Dispute Resolution

Mohammadbagher Parsa Pour, Azam Lotfi Neyestanek

Legal Effects and Consequences of Invoking the Rule of Necessity in International Law

Sayyed Mohammad Pedram Bathaei

Analysis of Crimes Related to Speculation Iranian and French Criminal Law

Vahid Kioumars

Comparative Study of Damage Caused by Damage in Iranian Law and International Sale of Goods Convention

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani

A Comparative Analysis of Unilateral Sanctions and Security Council Sanctions: Legal Analysis and Extraterritorial Implications

Sayyed Foad Alavi, Ali Taghi Zadeh, Mohammad Javad Ghasabi Fard

Crimes and Accidents Arising from Work in Iranian and French Law

Sima Soudagar

The Legal Status of the Use of Chemical Weapons by Iraq Against Iran from the Perspective of International Law

Sara Farzadi Mehr, Mojtaba Nazif, Qasim Moghadamian, Esmaeil Amouri

Criminal Policy Alternatives to Imprisonment in Crimes of the United States Armed Forces

Amirhasan Abolhasani, Sayyed Yahya Alavi, Elham Zare

Contract for the Carriage of Goods in the Legal Systems of Iran and France

Mahshid Sadat Tabaei, Fahimeh Taherloo

Establishing Rules of Artificial Intelligence in Combating Money Laundering and Asset Recovery

Ali Moyed Ahmadi, Amirreza Mahmoudi

Ownership of Mars from the Perspective of the 1967 Outer Space Treaty: Legal Analysis of Conflicts and Solutions

Mahdi Gharedaqui

Analysis of the Iranian Legislator's Criminal Policy Against Terrorist Crimes: Challenges and Solutions

Mostafa Rezaei

Conflict of Principles Governing Urban Lands with Property Rights in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghighyeghi, Farzin Yazdan Panah, Hamidreza Konari Zhadeh

A Jurisprudential-Legal Analysis of the Non-Enforceability of the Wife's Right to Divorce Clause in Marriage Contracts

Vahid Parsaei Daadras

The Position of Contract Interpretation in the Iranian Legal System

Aslan Alizadeh, Esmaeil Hoseini

Implementing the Decisions of the Court of Arbitration for Sport at the National Level

Sepideh Ahmadian Fard

Compensation for Personal Loss in Quasi-Crimes and its Examples in Criminal Laws: A Legal and Judicial Review

Meysam Hasani Zadeh

A Jurisprudential and Legal Study of Artificial Insemination in Iran

Fatemeh Moezzi, Hanieh Akbari, Hadi Rousta